ایمان از یمن است و دانش از یمن است.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الإيمانُ يمانٍ والحِكمةُ يمانِيَة، وأجد نَفَسَ الرحمن من قِبَل اليمن، أَلَا إنَّ الكفرَ والفسوقَ وقسوةَ القلب في الفَدَّادين أصحاب المَعِز والوَبَر»: «ایمان از یمن است و دانش از یمن است و من نَفَس پروردگار رحمان را از جانب یمن احساس کردم؛ همانا کفر و فسق و سنگ دلی در میان شترچرانان و بزچرانان چادر نشین می باشد».

[صحیح است] [به روایت طبرانی - به روایت احمد]

در مراد از اینکه می فرماید: «الإيمانُ يمانٍ والحِكمةُ يمانِيَة» اختلاف است؛ برخی گفته اند: معنای آن نسبت دادن ایمان به مکه است و مکه نسبت به مدینه در سمت راست قرار دارد. و گفته شده: مراد نسبت دادن ایمان به مکه و مدینه است که نسبت به شام، در سمت راست قرار دارند. اگر چنین باشد رسول الله صلی الله علیه وسلم این سخن را زمانی فرموده که در تبوک بوده است. و گفته شده: منظور از آن انصار است، زیرا اصل آنها از یمن بوده است و به این خاطر ایمان به آنها منسوب شده چون در نصرت و یاری رسول الله صلی الله علیه وسلم اصل و ریشه بودند؛ و اطلاق کلام بر ظاهر آن ایرادی ندارد، اینکه منظور برتری یمنی ها بر سایر مشرق زمینان باشد؛ زیرا بدون اینکه مسلمانان مشقت زیادی برداشت کنند، ایمان آوردند؛ بر خلاف مشرق زمینان و دیگران؛ و هرکس به صفتی توصیف شود و موصوف به آن باشد، به یمن نسبت داده می شود که اشاره به وضعیت خوب او دارد؛ و این به معنای نفی ایمان از غیر آنان نیست. و مراد از این روایت کسانی بوده که در آن زمان در یمن ساکن بوده اند؛ نه کسانی که در هر عصر و زمانی در یمن زندگی کرده و سکونت داشته و دارند. و لفظ مذکور مقتضی چنین معنایی نیست. و مراد از حکمت، علم و دانشِ شامل شناخت و معرفت الله متعال می باشد. و اینکه می فرماید: «وأَجِدُ نَفَسَ الرحمن من قِبَل اليمن» یعنی من در اثر رفتار اهل مکه، در غم و اندوه شدیدی بودم که الله متعال به وسیله ی انصار گشایشی برای من میسر نمود. یعنی رسول الله صلی الله علیه وسلم با گشایشی از سوی انصار مواجه شد که اهل یمن بودند. بنا بر این تفسیر، حدیث مذکور از احادیث صفات نیست. و اینکه می فرماید: «أَلَا إنَّ الكفرَ والفسوقَ وقسوةَ القلب في الفَدَّادين أصحاب المَعِز والوَبَر» یعنی کفر و فسق و نافرمانی و سنگدلی در وجود کسانی است که شتران و اموال زیادی دارند و در زمین های کشاورزی و در میان حیوانات شان صدای خود را بلند می کنند؛ و کبر و غرور از صفات آنها می باشد. اما ذکر بز و گوسفند در این روایت، بر خلاف مواردی است که در صحیحین آمده است که این صفات را از ویژگی های شترداران و اسب داران دانسته و آرامش و اطمینان را از ویژگی های کسانی معرفی می کند که با بز و گوشفند سر و کار دارند. و آنچه در صحیحین وارد شده، صحیح تر می باشد.

http://sunnah.global/hadeeth/fa/show/10414